

نقد و بررسی کتاب «انگلیسی پایه هفتم» از دیدگاه مدل تحولی - تفاوت‌های فردی مبتنی بر ارتباط^۱

رضا پیش‌قدم*

زهرا رستمی سرابی**

چکیده

کتاب درسی یکی از مهم‌ترین مراجع و منابع یادگیری دانش‌آموزان در هر نظام آموزشی است و در ایران نیز یکی از مهم‌ترین نقش‌ها را در برنامه درسی ایفا می‌کند. در این مطالعه می‌کوشیم به صورت کیفی، نقش کتاب انگلیسی پایه هفتم در کیفیت یادگیری دانش‌آموزان را بررسی کنیم. ارزیابی صوری، ارزیابی محتوایی، بررسی ایجاد حس هیجانی با واژگان (emotionalize language) و میزان رضایت-مندی دانش‌آموزان و معلمان پایه هفتم از کتاب مذکور از جمله اهداف این تحقیق هستند. از این رو، از ۶۰ دانش‌آموز کلاس هفتم و ۱۰ معلم زبان انگلیسی پایه هفتم مدرسه دخترانه دولتی بعثت در شرق تهران خواسته شد تا در مصاحبه‌ای در این خصوص شرکت نمایند. نتایج مصاحبه‌ها حاکی از عملکرد ضعیف کتاب در ایجاد حس هیجانی با واژگان و تصاویر است. در پایان، راه‌کارهایی برای ارتقای سطح کیفی و حس هیجانی واژگان و تصاویر کتاب جدید التالیف پایه هفتم ارائه کرده-ایم.

کلیدواژه‌ها: مدل تحولی - تفاوت‌های مبتنی بر ارتباط، ایجاد حس هیجانی با زبان، مصاحبه، کتاب زبان انگلیسی پایه هفتم.

*استاد آموزش زبان انگلیسی، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی،

دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول) rpishghadam@um.ac.ir

**دانشجوی دکتری آموزش زبان انگلیسی، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر

علی شریعتی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران sarah_rostami1985@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۳/۲۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۵/۲۰

۱. مقدمه

آموزش زبان انگلیسی از دیرباز مورد توجه صاحب‌نظران تعلیم و تربیت در ایران بوده است. واقعیت امر این است که با وجود آموزش مستمر و مداوم زبان انگلیسی در سال‌های تحصیلی راهنمایی و دبیرستان، از این آموزش معمولاً جز تجربه‌ی ناامیدکننده چیزی در ذهن دانش‌آموزان باقی نمی‌ماند. با وجود آن که سالانه میلیاردها ریال هزینه، صرف تعلیم و تربیت معلمان و مدرسان و تهیه و تألیف کتاب درسی زبان انگلیسی در مدارس و دانشگاه‌ها می‌شود، نتایج حاصله آنچنان رضایت بخش نیست (حسینی و پیشقدم، ۱۳۸۴). به طور مسلم، برای بررسی آسیب‌شناسی آموزش زبان انگلیسی باید پا را از چارچوب اکولوژیکی (ecological) - فراکلاسی و نحوه‌ی تدریس فراتر نهاد و به ابعاد عاطفی و ایجاد حس هیجانی در کتب درسی پرداخت.

در ابتدای امر ذکر این نکته ضروریست که نقش هیجان، در جریان تعلیم و تربیت بسیار مهم است زیرا توجه دانش‌آموزان را برمی‌انگیزد و باعث تقویت انگیزه یادگیری و افزایش قدرت حافظه می‌شود. شکی نیست که طریق انسجام یافتن رفتارها، هیجان‌ها و شناخت‌ها در دهه‌ی آغازین رشد، انعکاس مهمی در کنش هیجانی و روانی فرد در تمام عرصه زندگی دارد. در الگوی رشد، این عقیده‌ی ضمنی استنباط می‌شود که در جریان رشد، برخی اجزای ترکیبی رشد هیجانی مقدم بر اشکال بعد شناختی می‌باشند. در نتیجه، در رشد اولیه، عناصری از قبیل عاطفه و هیجان پیش‌قراول‌های تفکر می‌باشند. این موضوع با مطالعات زیست-عصبی (neurobiology) حمایت می‌گردد که نشان می‌دهد، نظام هیجانی قبل از شبکه‌های مغز که برای شناخت نقش اساسی دارند، فعال می‌گردد.

پژوهشگران بر اهمیت تعامل عوامل ژنتیک و محیطی بر چگونگی رشد انسان تأکید دارند. تحول جسمی و روان‌شناختی کودکان ماحصل فرآیند تعاملات زیستی، فرهنگی، اجتماعی و عاطفی است. پیاژه (Piaget) (۱۹۶۲) با وجود تأکید بر نقش زیستی تحول-شناختی انسان، تعامل موجود زنده و محیط را در تحول‌شناختی کودک تعیین‌کننده می‌دانست. تحت تأثیر ویگوتسکی (Vygotsky) و در چارچوب دیدگاه‌های تعاملی، نقش تعاملات اجتماعی در تحول توانایی‌های سطح بالای شناختی از جمله تفکر و خودآگاهی مورد توجه قرار گرفته است (Wertsch, 1985).

طرفداران مدل تحولی - تفاوت‌های فردی مبتنی بر ارتباط با تأکید بر نقش تعاملات هیجانی (emotional interactions) در رشد روان‌شناختی انسان معتقداند که تمامی توانایی‌های انسانی قابلیت‌های اکتسابی هستند که در درون روابط هیجانی کودک با دیگران ساخته و تحول می‌یابند. این مدل بر نقش هیجانات تأکید زیادی دارد. در این چارچوب، برخلاف دیدگاه‌هایی که معتقد به توازی شناخت و هیجان (Le Doux, 2003) و یا تقدم شناخت بر هیجان (Lazarous, 1984) می‌باشند. هیجان‌ها عامل پدیدآورنده شناخت، تفکر، خودآگاهی و خلاقیت در نظر گرفته می‌شوند (Greenspan and Shanker, 2004).

تاکنون تحقیقات زیادی در مورد نقش هیجان‌ها در قابلیت‌های انسانی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان انجام شده است (Pishghadam, 2009; Pishghadam, Adamson, and Shayesteh, 2013) ولی تا به امروز در مورد نقش مدل تحولی - تفاوت‌های مبتنی بر ارتباط در کتب زبان انگلیسی در ایران، پژوهشی انجام نشده است. بهتر است بدانیم که ایجاد ارتباط عاطفی-زبانی در کتب زبان انگلیسی چگونه به فرآیند یادگیری زبان در دانش‌آموزان کمک می‌کند تا به یافته‌هایی برسیم که از طریق آن بتوان کتب درسی بهتری را تهیه و تدوین کرد.

یادگیری مهارت زبانی نیاز به کتاب آموزشی مشخصی دارد که به منظور راهبرد یک برنامه آموزشی طرح‌ریزی شود و خود شامل اهداف آموزش، روش تدریس، تمرینات و تعیین روش‌های ارزیابی می‌باشد. اخیراً کتابی در زمینه زبان انگلیسی پایه هفتم (شربیان، خیرآبادی، علوی مقدم، عنانی سراب، فروزنده شهرکی و باقری، ۱۳۹۲) به نگارش درآمده است که توجه بسیاری از صاحب‌نظران را برانگیخته است. این کتاب از جنبه‌های گوناگون مورد مذاقه قرار گرفته است. به ادعای مؤلفان این کتاب، کتاب مذکور برای نخستین بار آموزش هر چهار مهارت (گوش دادن، صحبت کردن، خواندن و نوشتن) زبان را در یک بسته‌ی آموزشی منسجم و هماهنگ تدوین کرده است.

کتاب پایه هفتم در قالب هشت درس طراحی شده است. در این کتاب ۷۶ صفحه‌ای سعی شده است تمامی موضوعات ابتدایی از جمله سلام و احوالپرسی، سال تولد، خانواده، شکل ظاهری افراد، خانه، آدرس‌ها و غذاها گنجانده شود.

به نظرمی رسد، مهم‌ترین دستاورد این کتاب، طراحی و تدوین مطالب درسی حول محور ملی و با توجه به فرهنگ اصیل و هویت ارزشمند اسلامی و ایرانی است. مؤلفین

کتاب در پی بومی‌سازی و پررنگ نمودن فرهنگ غنی اسلامی و ایرانی، تمامی نام‌ها و واژگان کتاب را از این منظر انتخاب و سعی در ترویج غرب‌زدایی نموده‌اند. به عنوان مثال نام‌های ایرانی حسین، عرفان، زینب... جای اسامی غربی را گرفته‌اند به طوری که تصاویر و واژگان در قالب فرهنگ ایرانی برای یادگیری زبان بیگانه تا حدودی نامأنوس به نظر می‌رسند.

لذا در این پژوهش قصد داریم تا به بررسی ایجاد حس هیجانی زبان در کتاب جدید التالیف "انگلیسی پایه هفتم" بپردازیم و رویکرد آموزشی و رغبت دانش‌آموزان را از منظر مدل تحولی - تفاوت‌های مبتنی بر ارتباط مورد مطالعه قرار دهیم.

۲. پیشینه تحقیق

بسیاری از محققان و نویسندگان به نقش اساسی عواطف در تمامی ابعاد زندگی انسان اشاره کرده‌اند. مطالعه عواطف انسان، سابقه بسیار طولانی دارد. کوپر (Cooper) (۱۹۹۷) معتقد است تمام تجربیاتی که افراد در مراحل مختلف زندگی کاری و شخصی خود کسب می‌کنند، به صورت خاطرات عاطفی در ذهنشان باقی می‌ماند. در هنگام کسب تجربه، عقل افراد به طور خودکار درگیر عواطف و هیجانات عاطفی می‌شود بدین ترتیب دقت و کارایی فرایند تصمیم‌گیری را به طور چشمگیری افزایش می‌دهد. سرمایه عاطفی (emotional capital) در روند زندگی انسان نقش بسزایی دارد. چنانچه افراد انگیزه و نگرش بالایی داشته باشند، تلاش بیشتری برای دستیابی به اهداف سازمان از خود نشان خواهند داد. به طور کلی، افراد به منظور انتقال دانش (سرمایه انسانی)، برقراری روابط (سرمایه اجتماعی) و جهت انجام عملیات اثربخش نیاز به اعتماد به نفس بر مبنای عزت نفس، شجاعت و انطباق‌پذیری (سرمایه عاطفی) دارند. در همین باره، بُردیو (Bourdieu) (۱۹۸۶) با معرفی سرمایه فرهنگی (cultural capital) و سرمایه اجتماعی (social capital) معتقد است که توجه به این سرمایه‌ها در رشد سریع افراد در پیشرفت تحصیلی مؤثر است. به باور او، تقسیم جامعه به طبقه‌های مختلف فقط ماهیت اقتصادی ندارد، بلکه سرمایه‌های اجتماعی، عاطفی و فرهنگی نیز تأثیرگذارند. به عنوان مثال «محصولات فرهنگی» از قبیل رایانه، کتاب و فیلم می‌توانند نقش «سرمایه فرهنگی» را برای زبان‌آموز داشته باشند. به عقیده‌ی وی، ویژگی‌هایی از

قبیل تعداد افراد خانواده، وضعیت شغلی پدر و سواد والدین تأثیر مهمی در افراد می‌گذارد (سرمایه‌های اجتماعی).

مؤلفه‌های گوناگونی در موفقیت تحصیلی افراد مؤثر است. همان طور که پیش تر اشاره شد، تجربه و هوش لزوماً نقش تعیین‌کننده در موفقیت تحصیلی افراد ندارند. ما دانش-آموزان باهوش را می‌بینیم که در بسیاری موارد موفق نیستند، در حالی که عده‌ی کمی بدون مهارت‌ها یا خصوصیات بارز موفق هستند، علت این عوامل در هوش هیجانی (emotional intelligence) خلاصه می‌شود.

سرمایه عاطفی شامل چهار مؤلفه ذیل است:

۱. درک یا حس حالات هیجانی و عاطفی

۲. بکارگیری هیجان‌ها و عواطف به عنوان حامی فکر

۳. شناخت حالات هیجانی و عاطفی

۴. مدیریت و اداره هیجان‌ها و عواطف (خسرو جاوید، ۱۳۸۱).

گلمن (Goleman) (۱۹۹۵)، به عنوان یک روان‌شناس چنین اظهار داشت که هوش شناختی در بهترین شرایط تنها ۲۰٪ از موفقیت‌ها را باعث می‌شود و ۸۰٪ باقی مانده به عوامل دیگر وابسته است و سرنوشت افراد در بسیاری از موقعیت‌ها در گرو مهارت‌هایی است که هوش هیجانی را تشکیل می‌دهد. در واقع هوش هیجانی عدم موفقیت افراد با ضریب هوشی بالا و همچنین موفقیت غیرمنتظره افراد دارای هوش متوسط را تعیین می‌کند.

در همین راستا، الگوی تحولی - تفاوت‌های مبتنی بر ارتباط با برجسته نمودن نقش عوامل هیجانی و عاطفی درصدد ارائه الگویی یکپارچه در زبان‌آموزی می‌باشد. این نظریه در واقع، برخلاف نظریه چامسکی (Chomsky) (۱۹۵۷، ۱۹۵۹) و تأکید آن بر ذاتی بودن زبان، پیازنه (Piaget) (۱۹۵۴، ۱۹۸۰) و تأکید بر تحول شناختی کودک، ویگوتسکی (Vygotsky) (۱۹۷۸) و برونر (Bruner) (۱۹۸۳) و تأکید آن‌ها بر نقش عوامل اجتماعی، به عوامل عاطفی و هیجانی توجهی ویژه داشته و زبان‌آموزی را ماحصل تعاملات هیجانی موفق میان والدین - کودک در طول دوران فراگیری زبان می‌داند.

به نظر می‌رسد نظریه الگوی تحولی - تفاوت‌های فردی مبتنی بر ارتباط گرینسپن با اصول هوش هیجانی و تأکید گلمن (Goleman) (۱۹۹۵) بر عوامل هیجانی همسو و

منطبق است. از آنجا که محور اصلی این الگو مبتنی بر ارتباط و تعامل عاطفی و هیجانی میان کودک و والدین است، در خانواده‌ای که سرمایه عاطفی کم‌تری وجود دارد، فرآیند زبان‌آموزی کندتر اتفاق می‌افتد (Shanker and Greenspan, 2005). پژوهش‌های انجام شده در حوزه‌ی یادگیری زبان دوم نیز بر این حقیقت صحنه می‌گذارد. صرف‌نظر از این که چه بینشی نسبت به فرآیند یادگیری وجود دارد، در کلاس‌هایی که روابط هیجانی و عاطفی مورد توجه قرار می‌گیرد، زبان‌آموزان موفق‌تر هستند و فرآیند زبان‌آموزی با سرعت بیشتری اتفاق می‌افتد (Pishghadam, 2009). پیشقدم، طباطباییان و ناوری (۱۳۹۲) با الهام از این نظریه و اهمیت نقش عواطف و هیجانات، روش آموزش زبان را مبتنی بر هیجانات (emotion-based language instruction) نامیدند. این رویکرد بر دو پایه اساسی استوار است:

۱. ایجاد ارتباط هیجانی مؤثر با شاگرد و
۲. ایجاد حس هیجانی با زبان.

در حقیقت، گرینسپن و شانکر (۲۰۰۴) نقش بسیار مهمی را برای عواطف و هیجانات قائل هستند و آن‌ها را حلقه گمشده میان عوامل شناختی و اجتماعی می‌دانند. کودک برای یاد گرفتن واژه «سریع» نیاز دارد ابتدا با ماشین اسباب بازی خود همراه پدر خود بازی کند. پسر برای مدتی ماشین خود را عقب جلو می‌کند، پدر ماشین خود را نزدیک او می‌کند، پسر ماشین خود را عقب می‌کشد تا تصادف نکند. پس از ایجاد ارتباط کامل میان پدر و پسر و ایجاد حس عاطفی نسبت به ماشین در کودک، پدر واژه «سریع» را استفاده می‌کند و به پسر خود می‌گوید: «سریع رد شو به ماشین من نخوری». پسر کم‌کم حس عاطفی نسبت به این واژه پیدا می‌کند و رفتارهای حرکتی به مرور قالب کلامی می‌یابد (Greenspan and Weider, 1999).

یادگیری، شبکه‌ی گسترده‌ای از ارتباط‌ها است که کشف زوایای پنهان آن مستلزم واکاوی لایه‌های متفاوت عاطفی محیط و کتب آموزشی است و تنها از این راه می‌توان فرآیند یادگیری زبان را به خاطره‌ی عاطفی لذت‌بخش تبدیل کرد. بدیهی است که نمی‌توان نقش عواطف و هیجانات عاطفی را در پیشرفت سطح مهارت زبان انگلیسی دانش‌آموزان نادیده گرفت، با این حال، تاکنون تحقیقی در ایران انجام نشده است که کتب درسی را از بعد نقش عواطف و هیجانات عاطفی مورد نقد و بررسی قرار دهد.

در این تحقیق کوشیده‌ایم نقش عواطف و هیجانات عاطفی واژگان و تصاویر کتاب انگلیسی پایه هفتم را بررسی کنیم. افزون بر این، تحقیق حاضر سعی دارد از طریق نظرسنجی از دانش‌آموزان و معلمان زبان پایه هفتم، میزان رضایت‌مندی آنها را از کتاب پایه هفتم مورد مطالعه قرار دهد. بیشتر تحقیقات انجام شده در حوزه هوش هیجانی، از محدوده موفقیت تحصیلی و مهارت‌های زبانی فراتر نرفته است. در این مطالعه، ابعاد عواطف و هیجانات عاطفی در چارچوب کتاب درسی عنوان شده است. در پایان تحقیق سعی شده است نقاط ضعف کتاب را از بعد عاطفی ارائه دهیم تا بتوانیم در حد امکان از تأثیر منفی کتاب درسی بر یادگیری زبان انگلیسی کم کنیم.

۳. هدف تحقیق

در این پژوهش قصد داریم به واکاوی میزان موفقیت کتاب انگلیسی پایه هفتم در ایجاد حس عاطفی و هیجانی با زبان پردازیم. علاوه بر این، مطالعه حاضر قصد دارد به بررسی رابطه عاطفی میان واژگان و تصاویر کتاب و کیفیت یادگیری زبان انگلیسی بپردازد. از جمله عواملی که انگیزه اصلی برای انجام این مطالعه را ایجاد کردند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- میزان تعامل هیجانی مؤثر بین دانش‌آموز و کتاب درسی
- بررسی میزان ارزش‌گذاری دانش‌آموزان نسبت به بومی‌سازی زبان انگلیسی
- مغایرت هدف‌گذاری‌های مؤلفان با کتاب‌های درسی
- میزان ایجاد حس هیجانی با زبان در موفقیت و یادگیری زبان

۴. روش تحقیق

۱-۴. نمونه‌ها

این تحقیق به شکل نظرسنجی کیفی با ۶۰ دانش‌آموز دختر مدرسه دولتی بعثت در شرق تهران انجام شد. سن این دانش‌آموزان بین ۱۲ تا ۱۳ سال می‌باشد که در سال تحصیلی ۹۲-۹۳ دانش‌آموز کلاس هفتم (اول متوسطه) بوده‌اند. به علت قوانین آموزش و پرورش، نتوانستیم وارد مدارس پسرانه شده و با دانش‌آموزان هفتم پسر مصاحبه کنیم به همین دلیل تمام دانش‌آموزانی که در این تحقیق شرکت کردند دختر بودند. این ۶۰

دانش‌آموز دختر مدرسه بعثت در کلاس‌های تابستانی که در مدرسه برگزار می‌شد حضور داشتند. افراد در این کلاس‌ها محدود به طبقه خاصی نبودند و از هر قشری از جامعه و سطح اقتصادی شرکت داشتند. برای آگاهی از وضعیت اقتصادی و اجتماعی دانش‌آموزان، از مدیر مدرسه اطلاعاتی راجع به هر یک از آنها دریافت کردیم. ۳۸ نفر از این دانش‌آموزان از زبان درس هفتم نمره‌ی بالای ۱۵ دریافت کرده بودند و ۱۲ نفر باقیمانده میانگین نمرات زیر ۱۵ داشتند. بنابراین این گروه از دانش‌آموزان به دو گروه متوسط به بالا و متوسط به پایین تقسیم شدند. بنابراین معیار اصلی برای طبقه‌بندی دانش‌آموزان، نمرات زبان انگلیسی پایان ترم سال تحصیلی ۹۳-۹۲ بود. علاوه بر این، با تعدادی از معلمان زبان انگلیسی پایه هفتم (۴ مرد و ۶ زن) که در سال تحصیلی ۹۳-۹۲ کتاب مذکور را تدریس کرده بودند نیز مصاحبه‌ای انجام شد. میانگین سن این معلمان ۳۰ سال و سابقه‌ی تدریس آنها بین ۶ تا ۲۲ سال بود. لازم به ذکر است که مصاحبه‌ها به تعدادی انجام شد که اطلاعات دریافتی به حد اشباع رسید.

۲-۴. شیوه انجام پژوهش

این تحقیق در تابستان سال ۱۳۹۳ به مدت یک ماه به طول انجامید. طی تدریس در کلاس‌های تابستانی مدرسه بعثت، با ۶۰ دانش‌آموز دختر این مدرسه که در سال تحصیلی گذشته کتاب زبان پایه هفتم را گذرانده بودند مصاحبه شد. این مصاحبه‌ها بعد از جلسه‌ی سوم کلاس انجام شد. سؤال این تحقیق این است که آیا افراد گروه متوسط به بالا و پایین از سطح کیفی کتاب رضایت داشتند؟ این رضایت در ابعاد گوناگون ایجاد حس عاطفی و هیجانی با زبان و ایجاد انگیزه یادگیری بررسی شده است. مصاحبه‌ها معمولاً بعد از کلاس زبان تابستانه دانش‌آموزان انجام و ضبط شد. سؤال‌هایی که از آنها پرسیده شد موارد زیر را دربر می‌گیرد:

۱. آیا جایگزینی نام‌ها و اسامی فارسی در درک بهتر جملات انگلیسی مؤثر بود؟
 ۲. هنگام یادگیری واژگان در قالب فرهنگ اصیل ایرانی و اسلامی چه حسی داشتید؟
 ۳. آیا می‌توانستید با تصاویر و واژگان کتاب ارتباط حسی و عاطفی برقرار کنید؟
 ۴. آیا تصاویر و واژگان کتاب انگیزه زبان‌آموزی را در شما تقویت کرده است؟
- در مرحله‌ی دوم تحقیق، با تعدادی معلم زبان انگلیسی که کتاب پایه‌ی هفتم را تدریس کرده بودند مصاحبه‌ی حضوری انجام شد. این مصاحبه‌ها بعد از مصاحبه دانش‌آموزان

انجام و ضبط شد. مدت زمان مصاحبه‌ها بین ۱۰ تا ۲۰ دقیقه بر اساس تمایل معلمان برای توضیح سؤال‌های مورد نظر بود. هدف از این مصاحبه این بود که تصویر روشنی از نقاط ضعف و قوت این کتاب به دست بیاوریم. مصاحبه‌ها عناوین زیر را پوشش می‌دهد:

۱. آیا سطح آموزشی کتاب با سطح علمی دانش‌آموزان یکسان است؟
۲. دانش‌آموزان چگونه با کتاب ارتباط برقرار می‌کردند؟
۳. آیا بومی‌سازی و ایرانی‌سازی کردن مکالمات و واژگان در فهم بهتر مطالب مؤثر بود؟
۴. نقاط ضعف و قوت کتاب زبان پایه هفتم را با توجه به تجربه‌ی تدریس این کتاب بازگو کنید.

در پایان، هر یک از مصاحبه‌هایی را که با معلمان و دانش‌آموزان انجام دادیم، از طریق بررسی محتوا تحلیل کردیم؛ بدین صورت که ساختارهای معنایی مشابه (تم‌های مشترک) دانش‌آموزان و معلمان را از مصاحبه‌ها استخراج کردیم و هر یک را مورد بررسی قرار دادیم.

۳-۴. ابزار پژوهش

ابزار اصلی این پژوهش، در کنار مصاحبه‌های انجام شده با دانش‌آموزان و معلمان، کتاب زبان انگلیسی پایه هفتم است که بر مبنای نظرسنجی کیفی مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. کتاب زبان پایه هفتم در ۸ درس و یک مقدمه تنظیم شده است و بعد از هر دو درس، دو صفحه مرور درس (review) آمده است. بنابراین این کتاب در مجموع ۸ درس و ۴ مرور درس دارد. علاوه بر این، ضمیمه‌ای ۲۹ صفحه‌ای، تحت عنوان فرهنگ تصویری (photo dictionary) متناظر با درس‌های کتاب برخی مفاهیم را در قالب عکس و تصویر معرفی می‌کند. کتاب کار (workbook) نیز ۸ درس دارد که شامل تمرینات مختلف آموزشی برای تقویت دو مهارت خواندن و نوشتن تنظیم شده‌اند. کتاب کار دو ضمیمه دارد: ضمیمه اول در ۲۶ صفحه به تمرین الفبای انگلیسی می‌پردازد و ضمیمه دوم معانی فارسی دستورالعمل‌های کتاب اصلی را ارائه کرده است.

۵. بحث و تحلیل

۵-۱. بررسی میزان رضایت دانش‌آموزان از کتاب زبان پایه هفتم و ایجاد

حس هیجانی با زبان

پس از کنار هم قرار دادن نتایج مشخص شد کتاب حاضر از حیث انتخاب واژگانی که دانش‌آموزان نسبت به آن‌ها پیش‌زمینه قبلی داشته باشند کاملاً موفق عمل کرده است. واژگان کتاب در طیف واژگانی قرار دارند که هر دانش‌آموزی در هر سطح اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کم و بیش با آنها روبرو شده‌اند. ۵۵ نفر از دانش‌آموزان معتقد بودند علی‌رغم داشتن پیش‌زمینه قبلی در مورد واژگان کتاب، هیچ‌گونه ارتباط عاطفی با واژگان برقرار نمی‌کردند. به گفته آنها بومی‌سازی فضای کتاب زبان خارجه در قالب استانداردهای فرهنگ اصیل ایرانی و اسلامی جالب نیست. در اینجا نمونه‌هایی از این موارد را برای ارائه تصویری روشن‌تر و بررسی دقیق‌تر ذکر می‌کنیم. در مصاحبه‌ها، یکی از دانش‌آموزان گروه متوسط به پایین بیان داشت:

"با اسامی ایرانی مثل عرفان، زینب و... در فضای کتاب زبان انگلیسی ارتباط برقرار نمی‌کردم. کتاب خیلی خشک و جدی بود. واژگان کتاب مثل مانتو، چادر و... همه فارسی به نظر می‌رسیدند از این رو کتاب را جدی نمی‌گرفتم."

این دانش‌آموز گفت که اگر کتاب زبان پایه هفتم هم مثل سایر کتاب‌های مؤسسات جذاب بود تلاش می‌کرد تا از این درس نمره‌ی بهتری بگیرد. در ادامه، نمونه‌هایی از مصاحبه‌های دانش‌آموزان متوسط به بالا، برای بررسی بیشتر ذکر شده است. به عنوان مثال یکی از دانش‌آموزان در کلاس گفت:

"سر کلاس وقتی یک جمله می‌گفتند که اسم ایرانی بود همه‌ی دانش‌آموزان به بهانه‌های مختلف شروع به فارسی صحبت کردن می‌کردند انگار نه انگار که کلاس درس زبان انگلیسی است. ما هیچ‌گونه ارتباط عاطفی با اسامی فارسی برقرار نمی‌کردیم. مثلاً خیابان آزادی را می‌دانستیم ولی در قالب درس زبان انگلیسی ترجیح می‌دادیم نام‌های خیابان‌هایی را یاد بگیریم که کاملاً انگلیسی بودند."

دانش‌آموز دیگری بیان داشت:

"از درس زبان متنفر شده بودم. سر کلاس فقط به تصاویر می‌خندیدم انگار که کتاب عربی یا ادبیات فارسی است."

بنابراین، آنچه که مشخص است، در این تحقیق، دانش‌آموزان هیچ یک از گروه‌های متوسط به بالا و یا پایین، ارتباط عاطفی و هیجانی با واژگان کتاب برقرار نمی‌کردند. عدم ایجاد حس عاطفی و هیجانی با واژگان و تصاویر کتاب باعث شد دانش‌آموزان تجربه‌ی تلخی از کتاب زبان پایه هفتم داشته باشند. به نظر می‌رسد، اصرار اغراق‌آمیز در به تصویر کشیدن فرهنگ اسلامی و ایرانی، ایجاد تداعی و ارتباط عاطفی با واژگان برای دانش‌آموزان را سخت می‌کند.

متخصصان آموزش زبان دوم معیارهای مختلفی (فراوانی، کاربرد ارتباطی و نمونه‌ی اعلاء) را برای گزینش واژگان در زبان دوم ارائه نموده‌اند (Widdowson, 2003). پیش‌قدم و دیگران (۱۳۹۲) بر این باورند که معیار درجه هیجانی (emotioncy) نیز می‌تواند در واژه‌گزینی کلمات مورد استفاده قرار گیرد. در همین راستا، نتیجه نقد و پژوهش حاضر حاکی از آن است که تنها بومی‌سازی و بافتی کردن (در متن استفاده کردن) واژگان برای زبان‌آموزی کافی نیست؛ مؤلفان کتاب‌های زبان باید واژگانی را در کتاب بگنجانند که دانش‌آموزان آن مقطع قادر باشند با آن حس عاطفی برقرار کنند. در آزمایشی توسط پیش‌قدم و دیگران (۱۳۹۲) از دو کودک ۸ ساله که زبان انگلیسی را به عنوان زبان خارجه می‌آموختند خواسته شد تا واژگان زیر را بیاموزند، آنها واژگان را به ترتیب ذیل آموختند:

- سیب

- چتر

- تایپ کردن

- ساکسی فون

بر پایه‌ی رویکرد آموزش زبان مبتنی بر هیجان‌ات در حوزه‌ی مدل تحولی - تفاوت‌های مبتنی بر ارتباط واژگان دارای درجاتی از حس عاطفی برای فرد می‌باشند که درجه‌ی هیجانی واژگان نامیده می‌شود. هر چه واژه دارای درجه بالاتری از حس عاطفی باشد، یادگیری آن راحت‌تر است. در مثال بالا، کودک با "سیب" رابطه‌ی عاطفی بیشتری برقرار می‌کرد تا با واژه‌ی "ساکسی فون" که نه آن را دیده، نه لمس کرده است و نه از آن استفاده کرده است، پس هیچ حس عاطفی نسبت به این واژه نداشتند. در واقع، ارتباط مستقیمی میان درجه هیجانی واژگان و زبان‌آموزی وجود دارد (پیش‌قدم و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۴۹).

در پایان، متأسفانه حتی با ورق زدن کتاب پایه هفتم درمی‌یابیم که مؤلفان کتاب نه تنها کوچکترین توجهی به ایجاد حس عاطفی با واژگان نداشته‌اند بلکه با ایرانیزه کردن کتاب و ساختن محیطی فانتزی دانش‌آموزان را از فضای واقعی زبان انگلیسی دور کرده‌اند.

۲-۵. بررسی میزان رضایت معلمان از کتاب زبان پایه هفتم

نتایج حاصل از مصاحبه با معلمان حاکی از آن بود تقریباً هیچ یک از آنها از کتاب زبان انگلیسی پایه هفتم رضایت کامل نداشتند. البته بسیاری از آنها در ابتدا نکات مثبت این کتاب را بیان کردند. ۶ نفر از ۱۰ معلم اظهار داشتند این کتاب جنبشی درخور تقدیر در راستای رویکرد ارتباطی (CLT) زبان است. علاوه بر این، عدم تأکید بر موارد گرامری، داشتن کتاب کار، توجه به مهارت‌های گفتاری و شنیداری و فرهنگ‌نامه تصویر در انتهای کتاب از دیگر نقاط قوت این کتاب محسوب می‌شود.



انگاره ۱: طبقه‌بندی سطح کیفی کتاب زبان پایه هفتم به باور معلمان

همان گونه که پیش‌تر اشاره شد، در کتاب جدید پایه هفتم هیچ نشانی از دنیای غیرایرانی نیست. مؤلفان کتاب با نگاه کاملاً جزیره‌ای به زبان سعی در بومی‌سازی مطلق

آن داشته‌اند. به عنوان مثال، در صفحه‌ی ۲۰ کتاب کار، برای تمرین نوشتن تاریخ به انگلیسی، برخی وقایع داخلی از جمله آغاز هفته دفاع مقدس، روز جمهوری اسلامی ایران و... به کار رفته است در صورتی که برای ایجاد ارتباط عاطفی با وقایع می‌شد آن‌ها را با رویدادهای تاریخی دیگر کشورها مقایسه نمود و به غنای فرهنگ ایرانی-اسلامی افزود.

از دیگر موارد قابل بحث پیرامون ایرانیزه کردن کتاب می‌توان به فضای فانتزی و غیرواقعی دیالوگ‌ها اشاره کرد. به عنوان مثال، در صفحه‌ی ۳۲ کتاب، دانش‌آموز ایرانی وارد خانه می‌شود و "به انگلیسی" از مادرش می‌پرسد پدر کجاست و مادر هم به انگلیسی پاسخ می‌دهد. و یا در دیالوگ دیگری در صفحه ۳۸ بین دو دوست (امید و حسین)، امید "به انگلیسی" به حسین می‌گوید که علی مریض است و قرار است به عیادتش برود. در کل این گونه به نظر می‌رسد که بومی‌سازی دیالوگ‌ها، باعث شده است اهداف ارتباطی کتاب کاملاً مصنوعی جلوه کند.

برای ارائه تصویری روشن، نمونه‌هایی از این مصاحبه‌ها با معلمان زبان پایه هفتم را ذکر می‌کنیم. یکی از معلم‌ها اظهار داشت:

"کتاب جدید حتی نیم‌نگاهی هم به دنیای غربی نداشت. تمام نام‌ها، نشانی‌ها و تصاویر کاملاً ایرانی بودند. اگر قرار است از ابزار زبانی برای تعامل با افراد در اقصی نقاط دنیا استفاده نکنیم پس چه نیازی به یادگیری آن وجود دارد. اگر کتاب مذکور بر مبنای رویکرد ارتباطی نوشته شده است پس چرا هیچ‌گونه ارتباط واقعی با دنیای خارج وجود ندارد."

معلم دیگری اظهار داشت:

"گنجاندن مهارت‌های شنیداری و گفتاری در بازه‌ی زمانی کم در کلاس‌های پرجمعیت مدارس دولتی به هیچ وجه کاربردی نبود. از دیگر نقاط ضعف کتاب این بود که مؤلفان بدون تدریس حروف الفبا از دانش‌آموزان انتظار داشتند اسم خود و دوستانشان را بنویسند."

۵-۳. تصاویر کتاب

در پایان، ذکر این نکته ضروریست که اگرچه بومی‌سازی و فرهنگ‌سازی مانع از غرب‌زدگی و از خودبیگانگی می‌شود اما نمی‌توان این فرض را فدای ایجاد ارتباط و

حس هیجانی زبان کرد. وجود تصاویر بی کیفیت و نامرتب در کتاب حس و ارتباط عاطفی دانش آموزان با کتاب را کم کرده است به طوری که به نظر می رسد اگر کتاب از نظر بصری جذاب تر بود، حس عاطفی دانش آموزان نسبت به کتاب افزایش می یافت. برخی از این تصاویر نامناسب در کتاب به شرح ذیل می باشند:

۱. در صفحه ۶۳، تصویری که برای نشان دادن مفهوم hat استفاده شده است در واقع تصویر cap است.

۲. در صفحه ۶۹، تصویر working بیشتر شبیه جوشکاری کردن است.

۳. در صفحه ۵۱، تصویر woman، بیشتر واژه‌ی زیارتگاه استنباط می شود نه زن.

۴. در صفحه ۵۹، واژه employee (کارمند)، دانش آموزان واژه و مفهوم مدیر را استنباط می کنند (پیوست را ببینید).

در پایان، باید خاطر نشان کنیم که با توجه به نقش و جایگاه "مدل تحولی - تفاوت های فردی مبنی بر ارتباط" و نقش اصلی و محوری هیجانانگیز در یادگیری زبان دوم و بیگانه گزاره نخواهد بود اگر کتاب زبان پایه هفتم را در ایجاد ارتباط حسی و هیجانی با زبان ناموفق معرفی کنیم، زیرا کتاب مذکور هیچ گونه حس و خاطره مثبتی از زبان آموزی در ذهن دانش آموزان و معلمان پژوهش مورد نظر، نداشته است. البته تلاش کتاب برای گنجاندن چهار مهارت زبان در کل کتاب ستودنی و قابل تمجید می باشد و بر اهمیت و جایگاه مهارت های شنیداری و گفتاری در مدارس صحنه می گذارد.

۶. نتیجه گیری

با توجه به نقش ایجاد حس هیجانی زبان در کتاب درسی به عنوان جزء لاینفک یادگیری و آموزش زبان، مطالب گفته شده در این قسمت می تواند به نیازهای مؤلفان و معلمان پاسخ دهد و آموزش زبان را به تجربه ای به یاد ماندنی و لذت بخش تبدیل کند. ماحصل پژوهش حاضر حاکی از آن است که دیدگاه مدل تحولی - تفاوت های فردی مبتنی بر ارتباط و تأکید آن بر ایجاد حس هیجانی زبان در چارچوب کتاب های درسی باید مورد توجه مؤلفان قرار بگیرد. لذا بهتر است تصمیماتی در این زمینه اتخاذ شود که هم با افزایش حس هیجانی زبان و هم با فرهنگ و فضاهای اسلامی - ایرانی هم سو باشد.

همان گونه که قبلاً به آن اشاره شد، وجود تصاویر بی‌کیفیت و نامرتب در کتاب زبان پایه هفتم، امکان هر گونه ارتباط عاطفی و هیجانی با زبان را غیرممکن کرده است به طوری که به نظر می‌رسد اگر کتاب از نظر بصری جذاب‌تر بود و مؤلفان تعمق بیشتری در انتخاب تصاویر و بعضاً اقدام به جایگزینی تصاویر موجود با تصاویر انیمیشن می‌کردند، حس عاطفی و هیجانی دانش‌آموزان در زبان‌آموزی افزایش می‌یافت. بدیهی است، دانش‌آموزان میل و رغبت بیشتری برای یادگیری واژگانی دارند که نسبت به آنها حس مثبت دارند. برای آگاهی بیشتر مؤلفان و ارتقاء سطح کیفیت آموزشی کتاب راه-کارهای ذیل را ارائه می‌کنیم.

۱. گرینسپن (Greenspan) (۲۰۰۱) یکی از شاخص‌های اصلی زبان‌آموزی را ایجاد تغییرات و هیجانات عاطفی می‌داند و همان گونه که تبلور آن در نظریه‌ی پیش‌قدم و دیگران (۱۳۹۲) "آموزش مبتنی بر هیجانات" دیده می‌شود، پسندیده است معیار درجه هیجانی نیز در واژه‌گزینی لغات در کتب درسی مورد توجه و بررسی قرار گیرد.

۲. یکی از ابعاد اصلی و محوری سرمایه، سرمایه عاطفی است. توجه به این سرمایه به همراه سایر سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی نقش اعظمی در موفقیت تحصیلی و کاری دارد. بنابراین، آموزش و پرورش باید تلاش کند توجه به این موضوع را در تمامی ابعاد کتب درسی و فرآیند زبان‌آموزی مورد توجه قرار دهد.

۳. طبق گفته کوپر (Cooper) (۱۹۹۷)، تجربیاتی که افراد در مراحل مختلف زندگی کاری و شخصی خود کسب می‌کنند، به صورت خاطرات عاطفی در ذهنشان باقی می‌ماند. کتاب درسی می‌تواند نقش بسیار مهمی در به وجود آمدن تجربه آموزشی مؤثر و مهیا کردن دانش‌آموز برای درک و یادگیری مفاهیم جدید داشته باشد. این موضوع نشان-دهنده‌ی تأثیر کتاب درسی شکل و جذاب در ایجاد حس هیجانی زبانی دارد.

۴. تلاش ما برای بومی کردن فرهنگ نباید نتیجه معکوس دهد و باعث شود دانش‌آموزان به جای استقبال از فرهنگ بومی و ملی، از آن فاصله گیرند. به نظر می‌رسد، با مقایسه فرهنگی شاید بتوان تصویر بهتری از فرهنگ بومی ارائه نمود و شاگردان را به یادگیری بیشتر ترغیب کرد. برای نفوذ به ذهن و روح شاگردان بی‌شک باید از دریچه قلب آن‌ها عبور کرد.

امید است مؤلفان با استفاده از پیشنهاد‌های ارائه شده و با به کارگیری روش‌های کارآمد زبان‌آموزی به بهبود کیفیت کتاب‌های درسی کمک کنند. شاید زمانی برسد که بتوان با

استفاده از تدریس زبان انگلیسی در مدارس به صورت صحیح و مستمر، دانش‌آموزان را به یادگیری زبان انگلیسی ترغیب کرد. شایسته است که مسئولان و مؤلفان نسبت به تألیف کتاب‌های درسی تجدیدنظر کنند و اقدامات لازم جهت ارتقای سطح کیفیت کتاب‌ها را اتخاذ کنند. نگاه غالب به نظریه مدل تحولی - تفاوت‌های مبتنی بر ارتباط، افق فکری مؤلفان را به سوی ایجاد حس هیجانی زبانی در قالب تصاویر و واژگان جذاب‌تر سوق می‌دهد. به نظر می‌رسد به کارگیری این نظریه می‌تواند تأثیر مطلوبی در بالا بردن سطح کیفی زبان‌آموزی در ایران داشته باشد.

پی‌نوشت

1. Developmental, Individual-differences, Relationship-based Model (DIR)

منابع

- امین یزدی. ا. (۲۰۱۲). رشد یکپارچه انسان: مدل تحولی - تفاوت‌های فردی مبتنی بر ارتباط. پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت. ۲. صص. ۱۰۹-۱۲۶.
- پیش‌قدم، ر.، طباطباییان، م.، و ناوری، ص. (۱۳۹۲). تحلیل انتقادی و کاربردی نظریه‌های فراگیری زبان اول: از پیدایش تا تکوین. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- حسینی، آ. و پیش‌قدم، ر. (۱۳۸۴). سبک‌های غالب یادگیری زبان انگلیسی در زبان‌آموزان ایرانی. پژوهش چاپ نشده دانشگاه مشهد.
- خدیر شریب‌یان، ش.، خیرآبادی، ر.، علوی مقدم، ب.، عنانی سراب، م.، فروزنده شهرکی، ا.، و باقری، ن. (۱۳۹۲). انگلیسی دوره اول متوسطه (هفتم). شرکت چاپ و نشر کتابهای درسی ایران.
- خسروجاوید، م. (۱۳۸۱). بررسی اعتبار و روایی سازی مقیاس هوش هیجانی در نوجوانان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.

Bourdieu, P. (1986). The Forms of capital. In J. G. Richardson (Ed.), *Handbook of theory and research for sociology of education* (pp. 241-258). Greenwood Press, New York.

Bruner, J. S. (1983). *Child's talk: Learning to use language*. New York: Norton.

Chomsky, N. (1957). *Syntactic structures*. The Hague/ Paris: Mouton.

- Chomsky, N. (1959). A review of B. F. Skinner's verbal behavior. *Language*, 35, 26-58.
- Cooper, R. K. (1997). *Executive EQ: Emotional intelligence in leadership and organizations*. New York: Grosset/Putnum.
- Goleman, D. (1995). *Emotional intelligence*. New York: Bantam.
- Greenspan, S. I., & Shanker, S. (2004). *The first idea: How symbols, language and intelligence evolved from our primate ancestors to modern humans*. Boston: Da Capo Press, Perseus Books.
- Greenspan, S. I., & Wieder, S. (1999). A functional developmental approach to autism spectrum disorders. *The Journal of the Association for Persons with Severe Handicaps*, 24, 147-161.
- Greenspan, S. L. (2001). The affect diathesis hypothesis: the role of emotions in core deficits in autism and in the development of intelligence and social skills. *Journal of Developmental and Learning Disorders*, 5, 1-46.
- Lazarous, R. S. (1991). *Emotions and adaptation*. New York: Oxford University Press.
- Le Doux, J. (2003). *Synaptic self: How our brains become who we are?* New York: Penguin Books.
- Piaget, J. (1954). *The construction of reality in the child*. New York: Basic Books.
- Piaget, J. (1980). The psychogenesis of knowledge and its epistemological significance. In M. Piattelli-Palmarini (Ed.), *Language and learning: The debate between Jean Piaget and Noam Chomsky* (pp. 23-34). London: Routledge and Kegan Paul.
- Pishghadam, R. (2009). A quantitative analysis of the relationship between emotional intelligence and foreign language learning. *Electronic Journal of Foreign Language Teaching*, 6(1), 31-41.
- Pishghadam, R., Adamson, B., & Shayesteh, S. (2013). Emotion-based language instruction (EBLI) as a new perspective in bilingual education. *Multilingual Education*, 3, 1-16.

- Salovey, P., & Birnbaum, D. (1989). The influence of mood on health relevant cognitions. *Journal of Personality and Social Psychology*, 57, 539-551.
- Shanker, S., & Greenspan, S. I. (2005). The role of affect in language development, *BIBLID*, 20, 329-343.
- Vygotsky, L. (1978). *Mind in society*. US: Presidents and Fellows of Harvard College.
- Wertsch, J. V. (1985). *Vygotsky and the social formation of mind*. Cambridge, Harvard University Press.
- Widdowson, H. G. (2003). *Defining issues in English language teaching*. Oxford: OUP.

پیوست





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی